سریال «با خانمان» در شبکه ۳ توانست شکل استانداردی از طنز را ارائه دهد و مخاطب را تا حدودی راضی نگه دارد

تقابل مدل ۹۹ فقیر و غنی

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

کرونایی، برزو نیک‌نژاد پس از تجربه موفق «دردسرهای عظیم» ۱ و ۲، در این شبکه گروهی را تشکیل دادند و به تهیه کنندگی زینب تقوایی که پیش از این سریال هایی مانند «دودکش» و «مدینه» را برای شبکه یک تهیه کرده بود، با «خانمان» را برای شبکه سه ساختند. سریالی که کار تصویربرداری اش را در تابستان امسال شروع کرد و همین هفته پیش هم سکانس پایانی اش را جلوی دوربین برد. کهن الگوی فقیر و غنی از پرکاربردترین و جذاب‌ترین موضوعات در ادبیات و سینما و تلویزیون بوده و نمونه‌های موفق متعددی در این حوزه‌ها ساخته شده است. این بار هم چنین موضوعی دستمایه قرار گرفته و با حضور ترکیب قابل قبولی از بازیگران، نتیجه جذابی را رقم زده است. یکی از مسائل مهم و مثبتی که در این سریال وجود دارد و یکی از دغدغه‌ها و مطالبات «فرهیختگان» از سینما و تلویزیون امروز ما بوده، نمایش واقعی شهر و مردم و همچنین دیدن طبقات مختلف اجتماعی از قاب تلویزیون است. بی تردید اگر طبقات مختلف مردم خود را محروم از حضور در قاب تلویزیون ببینند فاصله‌ای عمیق و وسیع با رسانه شکل می گیرد و این فاصله نهایتا منجر به شکاف بیشتر جامعه خواهد شد. برهیز از نمایش عریان تلخی و دوری از مانور دادن با غیوغه‌های مردم و همچنین القای امید از ویژگی های مثبت این سریال است. البته این تعاریف به این معنی نیست که با یک شاهکار مواجهیم اما در این مدت آن قدر سریال معمولی و ضعیف از شبکه‌های مختلف تلویزیون پخش شده که اگر اتری، حداقلی از استانداردها را هم داشته باشد آن را به چشم می کشیم و قدردانش هستیم!

شاید در نگاه اول حضور همزمان حسن پورشیرازی، افسانه بایگان، آتیلا پسیانی و شهره لرستانی، تماشاگر را متعجب و مردد کند که آیا می شود به این اثر طنز اعتماد کرد یا خیر. اما با تماشای چند قسمت به این نتیجه می رسیم که ترکیب این بازیگران نه از سر ناچاری و مشکلات مالی که از روی آگاهی چیده شده است. بازی خوب و متفاوت سعید امیرسلیمانی و افسانه بایگان از نمونه‌های موفق بازی های این سریال است. در گفت‌وگو با تهیه کننده، کارگردان و بازیگر اصلی جوان «با خانمان» درباره مراحل ساخت، چگونگی کار در شرایط کرونایی و نحوه انتخاب بازیگران و تقابل فقر و ثروت در جامعه و این سریال صحبت شد و درنهایت تاکید می شود که «با یک کار بی عیب و نقص مواجه نیستیم بلکه قدر قطره آب در کویر بیشتر دانسته می شود و گویی باید بپذیریم که در دوران کویری سریال های خوب هستیم. سریال هایی که انگار آگاهانه به سریال های شبکه نمایش خانگی و خارجی بفرما می زنند و میدان را برای آنها خالی می کنند.

زینب تقوایی، تهیه کننده «با خانمان»:

باخانمان زندگی عادی جامعه است

زینب تقوایی، تهیه کننده جوانی است که کارش را با «دودکش» آغاز کرد و پس از آن «بشت بام تهران» را برای تلویزیون ساخت و سال گذشته در سینما، «سمفونی نهم» را تهیه کرد که چندان مورد توجه قرار نگرفت. حالا برای اولین بار سراغ طنز رفته و پذیرفته که در شرایط کرونایی سریال بسازد.

///

با توجه به شرایط کرونا و وضعیت بد اقتصادی، هدایت یک تیم برای ساخت سریال سخت شده است. فرآیند تولید سریال «با خانمان» چگونه شکل گرفت و به سرانجام رسید؟

ابتدا قدری تردید داشتیم چون نمی دانستیم چه شرایطی پیش‌روی ما است. بحث دیروز-۱۹ هم در اوایل ناشناخته بود. کار کردن در آن زمان و شروع کار ریسک بالایی را می طلبید منتها در نهایت به این نتیجه رسیدیم که کار را شروع کنیم.

یک دلیل برای شروع کار این بود که واقعا مردم در این زمان نیاز به این کار دارند؛ دیگر کار سرگرم کننده و قدری مرفه، شبانه پخش شود تا شاید لحظات بهتری را برای مردم ایجاد کند. تمام تیم تولید، کارگردانی و نویسندگی با چنین هدفی کار را انجام دادند. ما می توانستیم کار را حداکثر تری را شروع کنیم و ملودرامی را سازیم که شرایط تلخ‌تری داشته باشد. این کار بسیار پرباز بگر و پرلوکیشن بود. «با خانمان» کار شلوغی است. اتفاقات و وقایع زیادی در آن رقم می خورد. به هر حال رفت و آمد شخصی و ساعتی به یک جا ساخت است چه ربط به اینکه یک گروه ۷۰۸۰ نفره مدام درحال جابه‌جایی باشند. سعی کردیم تمام موارد که در رابطه با پروتکل های بهداشتی است را رعایت کنیم، بچه‌ها باید حدود ۱۲-۱۳ ساعت در روز با ماسک کار می کردند. این سخت بود که بخواهید همزمان ماسک داشته باشید و سر صحنه باشید. به لطف پرودگار این کار تمام شد.

این کار را چه زمانی شروع کردید و چه زمانی تمام شد؟

مرداد ماه امسال کار را شروع کردیم و حدود یک هفته است که فیلمبرداری تمام شد و بنا‌ئرگی آخرین بخش های سریال جلوی در زندان به پایان رسید. همکاری گروه عالی بود. اکثر دوستان در گریم بیرون کرونا شدند و یکی درمیان استراحت می کردند و قرنطینه می شدند و بعد از سه هفته برمی گشتند. وقتی نبودند بچه‌های دیگر جای خالی افراد گروه را پوشش می دادند.

فیلمنامه از قبل آماده بود یا همه آن در سال ۹۹ نوشته شد؟

حدود ۱۲ تا ۱۵ قسمت فیلمنامه قبلا نوشته شده بود ولی بقیه را در زمان فیلمبرداری آقای برادران نوشتند که قلم بسیار خوبی دارند و بسیار خلاق هستند.

کهن الگوی در این سریال وجود دارد که همیشه وجود داشته که مورد استقبال مردم هم بوده و آن الگوی غنی و فقیر بوده است. موفقیتی که این بسر دارد که هم در خانواده پولدار است و هم خانواده واقعی خود را پیدا می کند که فقیر هستند این سریال را جذاب کرده است. تصویری نسبتا دقیق از طبقه پایین و طبقه بالای جامعه را می بینیم بدون اینکه سطحی و کلیشه‌ای به این طبقات نگاه شود. مشکلات این دو طبقه و مواجهه آن دو به نظر من یکی از بخش های مهم این قصه است. نکته‌ای که همیشه در روزنامه خودمان به آن اشاره و مطالبه می کنیم. این است که زندگی واقعی مردم در سریال ها و سینما نمایش داده شود و با خانمان این ویژگی را دارد. زندگی واقعی در این سریال نمایش داده می شود.

واقعیت همین است. من بد نمی دانم که کهن الگوی باشد چون عموما سریال هایی که این خط الگو را دارند همیشه جذابیت داشتند. سال های سال دیده شدند و باز هم دیده می شوند. پردازش و اینکه چطور کهن الگو را بهرو کرده باشید، اهمیت دارد. این اتفاق در سریال باخانمان افتاد. از ابتدا انگاره ما این بود که شرایط کلی جامعه، اتاجایی که امکان دارد وسع ما اجازه می دهد، نشان دهیم. نمی خواستیم تنها خانواده‌های متوسط یا پایین شهری و نه صرفا خانواده‌های بالاشهری باشند. می خواستیم شرایطی باشد که کلیت جامعه را در برگیرد. با این روش، طیف مخاطب گسترده‌تری را شامل می شد و همه آدم‌ها نمونه‌ای از خود را در کار می بینند. به این دلیل بود که می خواستیم فراگیر و جامع‌تر باشد. رویاروبی این دو طبقه می تواند لحظات و موقعیت های جذابی را ایجاد کند. هر طیف و طبقه‌ای یک‌سری محسنات و معایب دارد که خاص خود آن طبقه است. مهم این است که همه ما عضو یک جامعه هستیم و همه انسان هستیم و کرامات انسانی در تمام اقشار و طبقات جامعه ما حضور دارد.

هیچ فرقی ندارد پایین شهری باشد یا بالاشهری، پولدار یا فقیر باشیم. یک‌سری موضوعات انسانی مطرح است. شاید مدل بیان آن متفاوت است، یا لهجه و کلام‌ها متفاوت است ولی موضوعاتی مثل عاطفه و محبت و این قبیل مسائل موضوعاتی است که طبقه‌ای بتواند آنها را توجیه کند. من فکر می کنم دربازه سریال باخانمان این اتفاق افتاد یعنی نگاه به این نسبت بود که این مسائل و کرامات انسانی را تبیین کند. تلاش دارد این طور باشد ولی نمی دانم تا چه حدی موفق بوده‌ایم.

به نظرم جزء سریال های خوب و قابل قبول است اما در این شرایطی که ساخته شد. بازیگری بود که به خاطر کرونا نباید یا او را جایه جا کنید؟

خیر، شاید در پیش تولید تغییراتی داشتیم ولی به جهت کرونا نبود است. عموما وقتی کسی را به کار دعوت می کنیم خود او در جریان است که در زمان کرونا کار باید انجام شود.

ابتدای کار به دوستان گفتیم، آن طور که اطلاعات داشتیم این بیماری کما کان وجود دارد. کار ما تمام شده و این بیماری هنوز وجود دارد و نمی دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد. هیچ کس در دنیا هم این را نمی داند. به خاطر همین وقتی کار را شروع کرده و دعوت می کردیم دوستانی که می آمدند اشاره‌ای به این امر نداشتند. شاید برخی از دوستان نگران بحث پروتکل ها و حفظ سلامتی بهداشتی بودند که خود ما نسبت به این مسائله حساس‌تر بودیم.

بچه‌های پروژه بیمه بودند؟

بله، همه پروژه‌ها بیمه هستند. هیچ پروژه‌ای نیست که جرات کند بدون بیمه کار کند.

در این سریال شخصیت‌های فرعی زیاد است و این طور نیست که سطحی باشند و مخاطب ارتباط برقرار می کند. خیلی کم نماهای یک نفره می بینیم. کمترین نما دو نفره است. این خرده روایت‌ها و کاراکترهای فرعی از دل جامعه آمده‌اند؟ کلیشه‌ای به این شخصیت‌ها نگاه نشده است بلکه هر یک خاستگاه و جغرافیایی دارند.

باخانمان زندگی عادی جامعه است. این روایت جامعه اطراف ما، آدم‌های اطراف ماست. وقتی پا از خانه بیرون می گذارید از مغازه‌دار، راننده تاکسی و غیره وجود دارند. باخانمان هم جزء کارهایی است که چند لوکیشن ثابت داشته است. چون کارهایی که در چند سال اخیر بوده به جز کارهایی که در شهرستان ها و استان های دیگر یا لهجه‌های مختلف کار می شد، مدل های شهری عموما مدل هایی در فضای بسته بوده در اداره، آپارتمان و غیره بوده است. باخانمان اینچنین نبود. پا در بیرون از فضا گذاشته و در فضای شهری گشته است. در این فضای شهری که می گرد در شهری هماننذ تهران هر مدل آدم‌ها هر سلیقه‌ای، لهجه‌ای وجود دارد همان طور که مازندگی می کنیم هر روز این تیپ آدم‌ها را می بینیم. سعی کردیم با شرایط روز آدم‌هایی باشد و این شخصیت فرعی هم بازیگران خوبی هستند. در انتخاب آنها وسواس به خرج داده شده است. اشاره به شخص خاصی نمی کنم، برخی فوق العاده هستند و می توانند نقش های اصلی کارهای دیگر شوند. در باخانمان تلاش کردیم حتی شخصیت فرعی با حساسیت و وسواس درستی انتخاب شود.

شاید دیمن یک زندگی مرفه برای مخاطب در این شرایط عذاب‌آور و تلخ باشد.

همیشه باید مخاطب را آگاه‌تر فرد بدانیم. من همیشه در همه کارها این را مدنظر دارم که نباید کار حالت فرست داشته باشد یا غلو شود. ما این را در زمان تصویب طرح یا شوراهای تصویب کننده بحث کردیم. در ارتباط با تأنسان دادن یک‌سری مسائل که در جامعه وجود دارد و یک زمان‌هایی دوست داریم آنها را ساتسور کنیم.

همانند اعتیاد پدر و غیره...

بله، در جامعه داریم پدرانی که اینچنین هستند. پدرهای دیگری همانند حاج آقا مصطفی را داریم که یک فرزندی را می گیرد و بزرگ می کند و این طور تحویل اجتماع می دهد. در ادامه داستان چیزهای دیگری را می بینید. باید واقعیت ها را ببینیم. اینکه خودسانسوری کنیم و صورت مسائل‌ها را پاک کنیم و مدینه آرمانی را به تصویر بکشانیم مخاطب پس می زند ضمن اینکه به ارزش های ما چیزی افزوده نمی شود. زمانی می توانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم که ابتدا صورت مساله را درست مطرح کنیم و نسبت به آن قضاوت کنیم و تصمیم بگیریم و جامعه خود را بشناسیم. اینکه بخواهیم فضاهای آرمانی در فیلم‌های خود نشان دهیم که همه خوب و مثبت هستند. اگر همه خوب و مثبت هستند چرا در جامعه خود هر روز یک‌سری از مسائل را می بینیم و می شنویم. به نظر من این فاصله بین مردم و فیلم‌ها خوب نیست.

نباید غلو در سیاه‌نمایی شود که نشان دهیم همه جامعه سیاه است و نباید به سمت این برویم که همه چیز خوب است. بیذیریم همه چیز در کنار هم و درهم است. این درهم بودن را باید بپذیریم که بتوانیم نقاط مثبت را پررنگ‌تر کنیم و نقاط منفی را از بین ببریم و معضلات اجتماعی را حل کنیم.

ادامه در صفحه ۱۳

حسام محمودی، بازیگر نقش «مسعود»:

مسعود قرار بود روحانی باشد

محمودی را پیش از این و در سریال‌هایی مانند «سایه‌بان»، «دلدار» و «سرگذشت» دیده بودیم و در سینما هم فیلم‌هایی مثل «سمعیه»، «آستیگمات» و «مرگ ماهی» را بازی کرده است. او این بار نقش بزرگ‌تری را برعهده گرفته و توانسته است کاراکتر «مسعود خاکپور» را به‌خوبی نشان دهد. با او از نحوه انتخاب و درگیری اش با نقش و تغییرات فیلمنامه حرف زدیم.

///

۱۵ قسمت سریال ظاهرا از قبل آماده بوده است. شما از ابتدا جزء گزینه نهایی آقای نیک‌نژاد بودید؟

ماجراء زمستان سال گذشته برمی گردد. در آن زمان سر کاری بودم که نوبه صلاحی، دستیار آقای نیک‌نژاد، با من برای حضور در این سریال تماس گرفت. زمان طولانی متوقف شد و اگر اشتباه نکنم ۱۸ مرداد امسال کار را شروع کردیم. یکی دو ماه قبل از شروع سریال، بچه‌ها با من تماس گرفتند و یک تغییراتی در فیلمنامه شده بود و جلسات را برگزار کردیم.

تغییرات جزئی یا در حد کاراکتر بود؟

خیر، کاراکتر اصلی ابتدا روحانی بود ولی متوجه شدیم که نمی‌توان با آن پیش رفت و درنهایت آن را به استاد معارف تبدیل کردند.

کارهای زیادی در سال‌های اخیر کردید ولی در این سریال با بازیگران خوبی همبازی بودید. این اتفاق خوبی برای شما بود. این تعامل برای شما چطور شکل گرفت؟

بله، به‌دلیل اینکه در بازیگری فرد تاثیرپذیری هستم زمانی که شریک درخشانی داشته باشم، جالب می‌توانم پایه‌پای آن کاراکتر خود را پیروش دهم.

یعنی سر دوق می‌آیی؟

بیشتر از آن تا تلاش می‌کنم برای اینکه کنار آن عظمت شریک خود، دیده شوم. می‌دانم اگر بخواهم بی‌انگیزه و کم‌انرژی و غیرمسلط باشم و آزمون و خطا را پیش از برداشت پلان نکرده باشم، شکست می‌خورم؛ چون شریکم ۴۰ سال است این کار را انجام می‌دهد و درخشان هم است. این برای من فرصت خوبی بود و هم همراهی با این دوستان سخت بود. بازیگران زیاد با طیف‌های متنوع بازیگری داشتیم. امیرسلیمانی، پورشیرازی و پسیانی سه مدل بازی متفاوت دارند. خانم شهره لرستانی، افسانه بایگان، بهنام تشکر، شقایق دهقان، امیرکاظمی و... هم حضور دارند. من آموخته‌ام و روحیه دانشجویی را حفظ کرده‌ام. جذاب‌ترین کار از نظر من این است که در دانشگاهی خارج از ایران ادامه تحصیل بدهم. این برای من جالب است، بنابراین سعی می‌کنم از آموختن غافل نشوم؛ با کتاب یا ورکشاپ، فیلم کوتاه و... . اینجا خود یک ورکشاپ عظیم بود.

نکته مهم شخصیت مسعود این است که به‌تدریج داستان جلو می‌رود و تکمیل می‌شود؛ یعنی یک‌سری بازل وجود دارد که در انتهای مجموعه در میان آنها رشد می‌کند. مثلا در قسمت نهم نسبت به قسمت اول متفاوت است، شاید پخته‌تر و عاطفی‌تر شده است. نکته مهم دیگر سریال ریتم تند اتفاقات و تغییرات است. چیزی که قبلا در تلویزیون نمی‌دیدیم. در اینجا با سیر تند اتفاقات مواجه هستیم. رشد مسعود در این اتفاقات چطور رخ می‌دهد؟

من خیلی در این بحث از کمک‌های برزو تشکر می‌کنم، چون هم در برنامه‌ریزی و چینش گرفتن پلان‌ها به این دقت کردند و هم اینکه هر روز من می‌آمدم می‌دیدم به‌شدت اصلاح می‌شوم. یعنی از جزئیات که مثلا نگاه به یک‌سو که به چه دلیلی بوده تا اینکه این لحن مسعود نیست یا این جمله مسعود نیست. روزهای اول این مسائل زیاد بود. به‌مرور من شروع به دریافت کردم. تعداد نکات به‌مرور کم می‌شد و هفته اول خیلی سخت سر این کار داشتم؛ برعکس کارهای دیگری که انجام داده بودم چون این ژانر را تجربه نکرده بودم.

کمدی هم بازی کمدی بود.

من کمدی‌بازی نکرده بودم. زغفرانی بود ولی در آن فیلم کاراکتر کمدی نداشتم. کار مهمی هم نبود. هفته اول عجیبی در این سریال داشتم ولی به‌مرور همه‌چیز تکمیل شد و این را می‌فهمیدم که این مدل حرف زدن برای این شخصیت نیست یا این کلمه را استفاده نمی‌کند.

در رونق کار این بهتر شد.

این شخصیت را بیرون دیده بودید یا خودتان ساختید؟

مسعود را در خودم داشتم. من از یک خانواده مذهبی هستم و در دبیرستان در مدرسه فوق‌مذهبی درس خواندم. لیسانس من حقوق قضایی از قم است. فوق لیسانس من کارگردانی تئاتر است که به‌این واسطه زمانی در آموزشگاه تدریس می‌کردم یا کلاس برای بچه‌هایی که می‌خواستند کنکور کارگردانی تئاتر شرکت کنند، می‌گذاشتم. این چنین این شخصیت را کنار هم آوردم.

از هر بخشی از زندگی خود یک تکه برداشتید.

بله، یک ویژگی خوش این است که کاراکترش واقعی است و الهیی نشده است. این که درگیرو و عصبی می‌شود و بلا سر آن می‌آورند.

فرازمینی نیست، این که متلا از بهشت آمده است.

بله، اعتراض می‌کند و داد و بیداد. به نظر من این ویژگی جذابی است.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

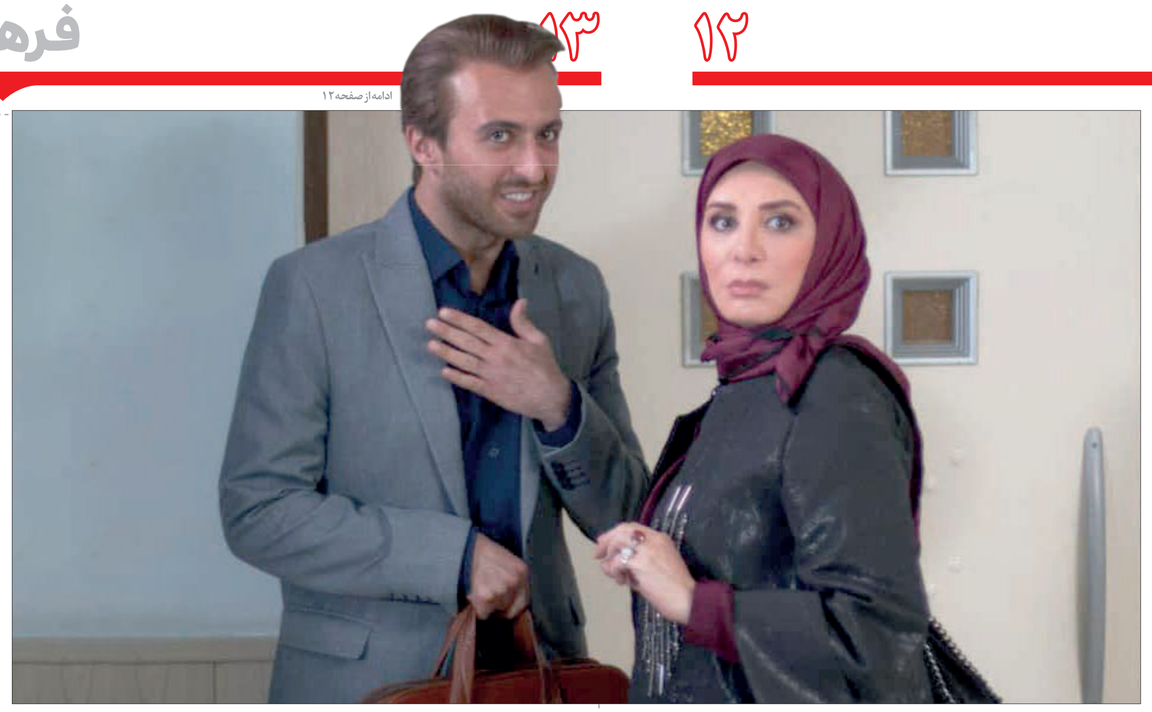

گاهی تا این حد تلخ نگاه نمی‌کنم. نگاه من این است که ایرانی‌ها ذاتا انسان‌های خوبی هستند که به‌ذات اینچنین هستند. بحث باخانمان یک بحث تربیتی جدای از اینکه اسلام دین تربیتی است، دارد؛ اینکه در کدام کانون و در پای کدام سفره بزرگ شدید و این انتخابی است که در مسیر زندگی خود دارید.

گداگرافی نکردم

تعریفی داریم که می‌گوید هنر به‌وجود آمد که زندگی قابل تحمل‌تر شود. جمله برای من نیست ولی این را آموختم. شاید قشر پایین را در کارهای خود نشان دهم، اما هیچ‌وقت گداگرافی نکردم. از تیتراژ این کار باخانمان مثال می‌زنم. تیتراژ کار و طراحی کار من بود. مثلا گفتم «لبو» باشد، چون هر فردی بنا به وسعش در این شهر و روزگار می‌تواند آن را تهیه کند. یکباره چیزی نگذارید که قشری هوس کند و نداشته باشد که تهیه کند. همه می‌فهمید من چه می‌گویم.

اصلا سراغ سفره‌های آنچنانی در کارهای خود نمی‌روم و آن چیزی که از جامعه می‌فهمم، این است که می‌فهمم الان مبیشت مردم به چه‌صورت است. قصدم این است که امید را بیکارم. اگر امید از بین برود تلاش از بین می‌رود. ما هر کاری می‌کنیم؟ اگر توان داشته باشیم لبخندی بر لب مخاطب بیاوریم، اگر توان داشته باشیم امیدی به فردایی ایجاد می‌کنیم که ان‌شاءالله حل می‌شود.

اگر این امید را نداشته باشیم و اگر نتوانیم این امید را به جامعه تزریق کنم و جامعه دچار ناامیدی باشد بد است. اینکه شما با من صحبت می‌کنید، یعنی می‌خواهید مطلب را چاپ کنید، چراکه امیدی به تلاش و فردا و آینده وجود دارد. همیشه سعی کردم در بدترین شرایط این امید وجود داشته باشد.

قحطی رفاقت

همه ما که زندگی را ادامه می‌دهیم اگر موشکافی کنیم مشکلات زیادی داریم. وقتی با تلویزیون کار می‌کنید، چه در رسانه و چه تلویزیون که مخاطبان چند میلیونی دارند یکی از وظایف شما تزریق نشاط و امید و صبات از خانواده است. چقدر این اتفاق رقم خورده است؟ دچار قحطی رفاقت شده‌ایم، دچار قحطی خانواده شده‌ایم. من با قحطی‌های دیگر کاری ندارم، چون نمی‌توانم کاری کنم، ولی یک‌زمانی من و شما بچه بودیم و پنج پسر عمو و ۶ دختر خاله داشتیم و یک خانواده بزرگ بودیم. الان این قطحی ایجاد شده است.

بخشی برای معیشت مردم است، بخشی مربوط به این است که خواسته‌های ما عوض شده است. ولی می‌دانم اگر کنار هم قرار بگیریم، آنجایی که قرار است همه به هم کمک کنیم تا اتفاق بهتری در سختی رخ دهد، قطعا کنارهم بودن کمک‌مان می‌کند. باخانمان قرار است بگویند که می‌شود کنار هم بود. اینکه با هر سلیقه و نگاه و با هر مرام و مسلکی کنار هم بود و کمک کرد. این طور نیست که حتما یوهلدار، به فقیران کمک کنند و گاهی برعکس این امر اتفاق می‌افتد.

استفاده از جوانان در سریال

جوانان سریال باخانمان از ابتدا همین‌ها بودند. در زمان درسرهای عظیم هم از عزیزانی استفاده کردیم که کار کرده بودند، ولی شاید خیلی جریمه نبودند و در این کار هم همین روال بود.

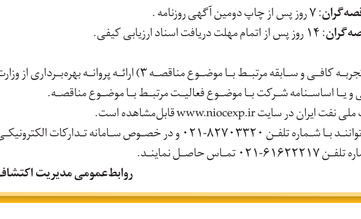

مهم باوریذیر بودن قصه بود؛ این نوع کمدی که کسی گریه کند و شما با او گریه کنید. باخانمان نقد بیشتر و نگاه دیگری دارد و فقط لایه بیرونی ندارد. شاید برخی از مخاطبان دوست داشته باشند همچنان آن نوع کمدی که فقط می‌خندانند را نگاه کنند. به آن سلیقه هم احترام می‌گذاریم و این عقیده مخاطب است. این نوع کمدی به‌شدت سخت بود، کمدی منوط به اجرا است، فقط چهار دیالوگ کمدی نیست که آدم‌ها بگویند و ما بخندیم.

حسن پورشیرازی و مهمان مامان

ما با حسن پورشیرازی جلسات زیادی گذاشتیم. الان اگر این کار را با مهمان مامان با هم نگاه کنید، باتوجه به اینکه مهمان مامان از کارهای ماندگار سینمای ایران است، متوجه تفاوت‌ها می‌شوید. یکی از دلایلش این است که یک‌سری کارهای کمدی را می‌دیدم که در تلویزیون برگزار می‌شد و برخی مواقع فکر می‌کردم که این کار تکراری است و بعد گفتند جدید است. متوجه شدم ترکیب‌هایی را برای تماشاچی تکرار می‌کنیم. یعنی سریال تازه ساخته شده، ولی ترکیب بازیگران این تصور را ایجاد می‌کرد که تکراری است. در این سریال به ترکیب جدیدتر رسیدیم که رنگ‌وبوی امروزی‌تر داشته باشد. هیچ ادعایی وجود ندارد.

بودجه

در همه اینها به‌نظرم تلاش خود را در حد بضاعت موجود انجام دادم، یعنی با شرایط موجود کار کردیم. پول این سریال به اندازه دو قسمت یک سریال خانگی است. در حد بضاعت تلاش کردیم و اگر کمبود دارد، مردم به بزرگواری خود ببخشند.

ارزش نقش‌های فرعی

هرکسی جلوی دوربین می‌آید ارزش دارد. وقتی می‌خواهید چیزی به مخاطب نشان دهید باید جغرافیای میزانسن را به تماشاچی بدهید که ذهن او درگیر معماگونه نشود و آمادگی برای لبخند زدن داشته باشد و آمادگی داشته باشد تا همراه شود. خودبه‌خود این کار را سخت می‌کند و باید بتوانید در چند سکانسی که این آدم را به‌حدی قابل شناسایی برای مخاطب باشد که همدات‌پنداری شود و این جنس بازیگری در باخانمان اتفاق افتاده که به‌شدت جنس سختی در بازیگری است. این از جنس رئال گونه است و این فشار روی بازیگران این پروژه بود و سختی‌های دیگری که تحمل کردند اعم‌از شرایط کرونا و زمستان که بسیار سخت بود و....

شرایط کرونایی

در شرایطی کار کردیم که عادی نبود. اگر عادی بود، سینماها باز بود، استادیوم‌های ورزشی باز بود و غیره. در یک سریال شلوغی همانند باخانمان وظیفه می‌دانیم برای مردم کار کنیم، ولی قبول کنید ۸۰ نفر آدم هر روز در این شرایط کنار هم قرار بگیرند سخت است. بالاخره در این پروژه آدم‌هایی بودند که گرفتار کرونا شدند و مجبور شدیم به آنها مرخصی بدهیم. اگر با این شرایط نگاه کنیم، فرم دیگری می‌شود. باخانمان از این بابت نسبت‌به کارهای دیگری که ساخته بودم کار سختی بود.

گفت‌وگو با برزو نیک‌نژاد، کارگردان «باخانمان»

نمی‌خواستم سفره رنگین به مردم نشان بدهم

نیک‌نژاد سال‌های گذشته در مقام کارگردان، سریال‌های «پنجری»، «دردسرهای عظیم» ۱ و ۲» و «ساخت ایران ۲» را ساخته و فیلم‌های سینمایی «ناخواسته»، «رایاس»، «لونه زنبور» و «دوزیست» را نیز کارگردانی کرده است. با او درباره سریال تازه‌اش هم‌صحبت شدیم. گفتار زیر برآمده از گفت‌وگوی «فرهیختگان» با کارگردان «باخانمان» است.

///

فاصله طبقاتی در جامعه

در جامعه‌ای هستیم که مشابه در تهرانش اتوبانی به‌نام اتوبان امام‌علی(ع) وجود دارد که در آن طی ۲۰ دقیقه از نقاطی که بسیار مرفه هستند و شاید اجاره‌خانه آنجا در ماه دوبرابر درآمد یک‌سال قشر پایین جامعه است، رفت‌وآمد می‌کنیم و می‌توان اینها را به هم ربط داد. اگر در شهری همچون تهران زیست کرده باشید و در اتوبوس، مترو یا تاکسی باشید، این تضاد مقداری نمایان است. از موبایل‌هایی که با چسب چسبیده تا باتری آن نیفتد تا موبایل‌هایی که قیمت یک ماشین را دارد، درکنار هم هستند. فقط کافی است همدیگر را درک کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، به یک نتیجه بزرگ می‌رسیم که هیچ کسی مشکلی ندارد. مهم این است که کنار هم قرار بگیریم.

در قصه «باخانمان» آدم‌ها از بالاترین جا تا پایین‌ترین جا کنار هم قرار می‌گیرند. اصلا مهم نیست چه کسی درآمد مالی بالایی دارد. انسانیت چیز دیگری است. مادری همانند حوریه در پایین شهر است و آبرومندانه زندگی می‌کند و دختری در پایین شهر دارد که نخبه دانشگاه است یا فردی را می‌بینیم که در بالاشهر و در شرایط خاص خودش زندگی می‌کند. همه اینها در این سریال دیده می‌شوند؛ یک‌سری از آدم‌ها که وصل به دیگران هستند تا از آنها ارتزاق کنند و یک‌سری از آدم‌ها که بد روزگار یا آنها اینچنین کرده است.

آدم کامل، کامل آدم

در کارهایی که ساختم و در قصه‌هایی که کار کردم آدم بد ندارم. من کاراکتر منفی ندارم. اتفاقات بد و گاهی هنجارها و ناهنجاری‌ها براساس شرایط پیرامون ما اتفاق می‌افتد که شاید من و شما هم در آن مقصر باشیم. فقط کافی است طور دیگری نگاه کنیم. چه در کارهای کمدی و چه کارهای جدی که ساختم اگر آدم بد پیدا کنید تعجب می‌کنم. همه آدم‌ها به‌دنبال منفعت خود می‌روند که براساس واقعیت این افراد در قصه طراحی شده است. گاهی این منفعت می‌تواند به کسی لطمه بزند، اما این دلیل بر بد بودن ما نیست یا وقتی تحقیق کنید در زندان‌های جاهای مختلف آدمی را می‌بینید که به جرم دزدی در زندان است، ولی وقتی جلوتر می‌رود متوجه می‌شوید این فرد کلیه خود را فروخته و راه دیگری برای امرار معاش نداشته است. به همین دلیل می‌گویند. اصلا مهم نیست چه کسی درآمد مالی بالایی دارد. انسانیت چیز دیگری است. مادری همانند حوریه در پایین شهر است و آبرومندانه زندگی می‌کند و دختری در پایین شهر دارد که نخبه دانشگاه است یا فردی را می‌بینیم که در بالاشهر و در شرایط خاص خودش زندگی می‌کند. همه اینها در این سریال دیده می‌شوند؛ یک‌سری از آدم‌ها که وصل به دیگران هستند تا از آنها ارتزاق کنند و یک‌سری از آدم‌ها که بد روزگار یا آنها اینچنین کرده است.

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول در نظر دارد اقلام ضایعاتی و خارج از رده مازاد بر نیاز خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا علاقه‌مندان می‌توانند به منظور بازدید و دریافت اسناد مربوطه ظرف دو هفته کاری از تاریخ انتشار آگهی در روزهای کاری به نشانی دزفول- کوی آزادگان- بلوار دانشگاه- دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول- حاوه‌دارتکات مراجعه نمایند. شرکت کنندگان در مزایده می‌بایست قبوض‌چک تضمین شده بانکی به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مزایده و یک فقره فیش به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت هر یک پیشنهاد قیمت در زمان تحویل اسناد و اریز و اصل آنها را ارائه نمایند. بدیهی است کلیه هزینه‌های مربوطه از قبیل هزینه کارشناسی، درج آگهی، تأمین نیروی انسانی و ماشین‌آلات لازم جهت بارگیری، حمل، نقل، بیمه، مالیات و... به عهده برنده مزایده خواهد بود و دانشگاه در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

آگهی فراخوان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد قصد دارد تا بخش تحقیقاتی- پژوهشی ساختمان آزمایشگاه مرکزی خود را با تمام امکانات و تجهیزات به شرکت‌های واجد شرایط به‌صورت اجاره و درصدی از درآمد در سال اول و مشارکت تمام در سال دوم واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی فراخوان به مدت یک ماه ضمن بازدید از فضا و امکانات موجود به دفتر ریاست آزمایشگاه‌ها واقع در ساختمان مرکزی آزمایشگاه‌های دانشگاه مراجعه یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۳۳۶۱۰۹۹ و تلفن همراه آقای دکتر جهانگیری ۰۹۱۶۲۱۸۲۰۴۶ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

فرهیختگان
سایت روزنامه
www.FARHEEKHTEGAN.ir

آگهی مناقصه تامین نیروی خدماتی

۱- مناقصه گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش
آدرس: جزیره کیش، میدان ماشه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش. تلفن: ۰۷۶۴۴۴۲۲۷۲۰
۲-موضوع مناقصه: تامین نیروی خدماتی جهت نظافت و نگهداری محوطه و کلیه ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش
۳-مبلغ و نوع تضمین: مبلغ صد میلیون ریال واریزی وجه نقد به شماره حساب ۰۱۰۸۳۵۰۸۳۵۰۰۲ بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش یا ضمانت‌نامه بانکی با اعتبار حداقل ۳ ماه.
۴-قیمت فروش اسناد: یک میلیون ریال از طریق واریز به حساب ۰۱۰۸۳۵۰۸۳۵۰۰۲
۵-مهلت فروش و عودت اسناد: ۱۰ روزکاری از تاریخ انتشار می‌باشد.
۶-محل دریافت آگهی و تسلیم اوراق: دبیرخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش
۷-هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۸-مناقصه‌گذار در رد یا قبول پیشنهادات اختیار کامل دارد.
۹-شرکت باید صلاحیت جهت انجام کار داشته باشد.
۱۰-سایر شرایط، مطابق با اسناد مناقصه می‌باشد.
۱۱-محل انجام موضوع مناقصه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش می‌باشد.

نوبت دوم

آگهی فراخوان

موضوع: خرید ۳۰۰۰۰ کیسه ۲۵ کیلوگرمی آهک هیدراته (Lime) به شماره مناقصه ۹۹۱۳۰
با شماره ۲۰۹۰۹۲۹۲۱۰۰۰۰۷۴ بر روی برد سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد مناقصه خرید ۳۰۰۰۰ کیسه ۲۵ کیلوگرمی آهک هیدراته (Lime) را طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرکت‌های تولیدکننده و تامین‌کننده واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیانی که دارای شرایط ذیل می‌باشند، درخواست می‌گردد از زمان چاپ آگهی نوبت دوم تا حداکثر هف